

معرفی کتاب

نمدهای ایران

پژوهشی در زمینه نمدهای

منطقه گرگان و دشت



عکس از کتاب نمدهای ایران ص ۵۰

صنایع دستی هر سرزمین، نماینده ی بخشی از فرهنگ آن سرزمین است. انسان سنتی با نهایت بهره گیری از مواد و مصالح پیرامون خود، بر مبنای دانش های بومی، و شناخت نیازهای فطری و اجتماعی، اقدام به تولید ابزار و وسایل مورد نیاز خود نموده و نهایت ذوق و سلیقه ی خود را به منظور ایجاد کیفیت ساختاری و هنری برای ساخت این وسایل و لوازم به کار برده است.

در سرزمین گرگان و دشت (استان گلستان کنونی) صنایع دستی گوناگون و متنوعی وجود دارد که به خاطر سکونت اقوام مختلف در این سرزمین، این صنایع نیز دارای گونه‌های مختلفی هستند. از جمله‌ی این صنایع می‌توان به نم‌سازی یا نم‌مالی اشاره کرد که در گذشته‌های نه چندان دور در سراسر سرزمین گرگان و دشت در بین اقوام مختلف رایج بوده و هر کدام از این اقوام با استفاده از دانش بومی و برحسب نیازها و امکانات پیرامون خود به ساخت آن پرداخته‌اند. جامعه‌ی اقوام دامدار ساکن این سرزمین علاوه بر رفع نیازهای خود، از این هنر و صنعت، به عنوان یک منبع درآمد و گذران معیشت نیز بهره می‌برده‌اند.

از طرفی با تغییر نوع زندگی، رفته رفته صنعت نم‌مالی از رونق افتاده و در برخی نقاط این سرزمین به طور کل به فراموشی سپرده شد. از طرفی دیگر فرسوده شدن نم‌د بر اثر استعمال و همچنین دشواری نگهداری نم‌د و آسیب پذیر بودن آن در مقابل برخی آفات مانند پروانه‌ی بید و... سبب شد نم‌دها از خانه‌ها بیرون انداخته شده و نهایتاً برای پالان دوزی و یا فرش کردن فضایی در خارج خانه، به کار گرفته شدند. همین امر سبب شد نمونه‌های منحصر به فردی از نم‌د گرگان و دشت از بین رفته و هیچ اثری از آن باقی نماند.

در سال ۱۳۵۴ شمسی که هنوز نمونه‌های متعدد و گوناگونی از انواع نم‌د در این سرزمین موجود بوده، پژوهشی پیرامون هنر نم‌سازی در منطقه‌ی گرگان و دشت انجام شده و تصاویری شماری از انواع فرم‌ها و طرح‌های نم‌دهای این سرزمین ثبت و ضبط شده و سال‌ها پس از این پژوهش، در قالب کتابی با عنوان **نم‌دهای ایران** به طبع رسیده است.

عنوان کتاب: نم‌دهای ایران (پژوهشی در زمینه نم‌دهای منطقه گرگان و دشت)

تألیف: محمود جوادی پور

مشخصات فیزیکی کتاب: این کتاب در ۴۷۲ صفحه مصور گلاسه رنگی در قطع خشتی (۲۸×۲۸×۲) سانتی‌متر) منتشر شده است.

نوبت و تاریخ انتشار: نوبت اول - پاییز ۱۳۸۶

انتشارات: فرهنگستان هنر ایران و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران.

معرفی کتاب

این کتاب محصول پژوهشی است پیرامون هنر نم‌سازی، شناخت و طرز تهیه‌ی مواد و مصالح، رنگ‌ها و شیوه‌های رنگ‌رزی، شناخت نقوش، تنوع قاب بندی، منشاء طبیعی نقوش، تنوع کاربردی نم‌دها، پراکندگی جغرافیایی هنر نم‌سازی و پراکندگی نقوش در محدوده‌ی سرزمین گرگان و دشت و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری فرهنگی اقوام ساکن گرگان و دشت بر روی یکدیگر.

جوادی پور در سبب انجام این پژوهش و گردآوری این کتاب می‌گوید: «سال‌ها پیش بود که با هنر نم‌سازی آشنا شدم. گیرایی این هنر ارزنده در من انگیزه‌ای برانگیخت که برای شناسایی بیشتر آن به پژوهش دامنه‌داری بپردازم و نتیجه‌ی آن را به صورت این مجموعه در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم. اولین برنامه پژوهشی خود را از منطقه‌ی گرگان و دشت آغاز کردم و در این اندیشه‌ام که در اولین

فرصت دنباله‌ی این پژوهش را در سایر نقاط کشور ادامه دهم. (محمود جوادی پور-۱۳۵۴ش)». اما بروز مشکلات متعدد انتشار این مجموعه را حدود سه دهه به تعویق می‌اندازد، چنان که جوادی پور خود در این باره می‌گوید: «چاپ این کتاب از سال ۱۳۵۴، همواره با مشکلات و گرفتاری‌های غیرمنتظره‌ای روبه‌رو شده و متوقف مانده بود که هر آینه بخوایم به شرح آن‌ها بپردازم خود کتابی جالب و خواندنی خواهد شد».

این کتاب شامل حدود ۴۹۰ قطعه عکس رنگی، ۱۶ قطعه عکس سیاه و سفید و ۱۰۰ قطعه طرح سیاه و سفید است. نویسنده؛ مطالب کتاب را در دوازده بخش تنظیم نموده و هر بخش را مزین به طرح‌ها و تصاویر متعدد کرده است. لازم به ذکر است که بخش‌های نخست تا یازدهم کتاب به عنوان مقدمه‌ی موضوع کتاب بوده و بخش اصلی کتاب همان بخش دوازدهم است. چنان که بخش‌های اول تا یازدهم از آغاز تا صفحه‌ی ۶۴ کتاب را شامل شده و بخش دوازدهم از صفحه‌ی ۶۵ تا صفحه‌ی ۴۶۷ کتاب را در بر گرفته است. در مورد تصاویر این کتاب نیز لازم به ذکر است که، اغلب تصاویر مندرج در کتاب



رنگی و متعلق به نمونه‌هایی از نمدها هستند که اکنون منقرض شده و از بین رفته‌اند. همچنین در زمینه‌ی تصاویر نمدها، تصویری از افراد با پوشش محلی و برخی آثار معماری بومی دیده می‌شوند که تصاویر از این لحاظ نیز ارزشمند هستند. این دوازده بخش عبارتند از:

بخش اول: پیوند هنر روستاییان با طبیعت، هنر نمدمالی/در این بخش ابتدا به تأثیرات پیشرفت تکنولوژی بر انسان و طبیعت اشاره نموده و تنوع اقلیمی - طبیعی را عامل اصلی تنوع فرهنگی دانسته، سپس به معرفی و تعریف هنر نمدمالی می‌پردازد.

بخش دوم: پشم و کرک/در این بخش ابتدا به تعریف پشم و کرک و بیان تفاوت آن دو پرداخته، سپس مراحل مقدماتی فرآوری پشم، برای نمدمالی را توضیح داده است. در این قسمت از کتاب به مواردی چون: شست و شوی پشم، طبقه‌بندی پشم از نظر رنگ و گام‌های رنگی در پشم طبیعی اشاره نموده است.

بخش سوم: گیاهان و نباتات رنگزا/در این بخش با اشاره به این که در هر اقلیم و طبیعتی گیاهان متناسب با آن اقلیم می‌روید، این نکته را متذکر شده که در هر منطقه‌ای بسته به اقلیم و طبیعت آن رنگ‌های طبیعی از گیاهان مختلفی تولید می‌شوند. سپس در ادامه‌ی مطلب به معرفی گیاهان و نباتات رنگزای منطقه‌ی گرگان و دشت پرداخته و توضیحاتی در مورد گیاهانی چون: گیاه همیشک یا همیشه بهار، گیاه اسپرک یا اسورک، گیاه کلاشن، گیاه چرشگ یا چنشگ، برگ درخت توت، سیب تلخ، درخت گردو، درخت انار، بته شور و درخت اوچا ارائه داده است.

بخش چهارم: ترشابه‌ها/در این بخش ابتدا مقدمه‌ای در باب شیوه‌های تثبیت رنگ در بین ترکمانان

و مردم کوهپایه سرزمین گرگان و دشت آورده و سپس به معرفی ترشابه های خاکستر درخت اوجا و بته شور و نیز ترشابه های؛ جوانه گندم، آرد گندم یا جو، آلوچه جنگلی، نارदानه و طرز تهیه هر کدام می پردازد.

بخش پنجم: روش تهیه رنگ های اصلی از گیاهان / در این بخش ابتدا به این موضوع اشاره شده که شیوه های رنگ گیری از گیاهان رنگزا و سایر مواد رنگده در میان مردم بومی و همچنین قبایل ترکمن منطقه ی گرگان و دشت با هم متفاوت است و یادآور شده که روش کار آن ها بر پایه و اصول و نظم خاصی صورت نمی گیرد و بیشتر از هر چیز جنبه حسی دارد. با این وجود نویسنده سعی کرده، داده های پژوهش خود در این زمینه را به صورت شیوه های مدون تدوین نماید. سپس به معرفی گیاهان رنگده پرداخته و پس از آن گیاهان را بر اساس سه رنگ اصلی زرد و قرمز و آبی تقسیم کرده و شیوه ی رنگ گیری از هر کدام را ذکر کرده است. در پایان نیز به ذکر خاصیت ترشابه ها نیز پرداخته است.

بخش ششم: دندانه دادن پشم / در این بخش ابتدا شرایط شستشو، تمیز کردن و آماده سازی پشم برای رنگرزی را بیان داشته، سپس به ذکر روش عمده ی رنگ کردن پشم پرداخته و در ادامه، روش های مختلف رنگ کردن پشم با هر یک از رنگ های طبیعی را ذکر نموده، شیوه ی آزمایش میزان رنگ گیری پشم را آموزش داده و در پایان چگونگی دست یافتن به رنگ های ترکیبی و چگونگی رنگ کردن پشم با این رنگ ها را توضیح داده است.

بخش هفتم: تفاوت اصلی میان قالی، قالیچه و نمد / در این بخش از کتاب، در مقدمه به تفاوت اصلی میان انواع فرش ها و پوشش های بافتنی مانند قالی و قالیچه و گلیم و... با نمد اشاره کرده و در ادامه به معرفی انواع نمدهای گرگان و دشت از لحاظ تنوع کاربری؛ مانند: نمد زیرانداز، نمد زین و پوشش اسب، شنل چوپانان، نمد آلاچیق، نمد کلاه، نمد سجاده، نمد کرسی و در پایان به معرفی اجمالی انواع نمد از لحاظ فرم و شکل؛ مانند: نمدهای زینتی، نمدهای ساده، نمدهای نقش دار یک رو، نمدهای نقش دار دورو و نمدهای ریشه دار پرداخته است.

بخش هشتم: طرز ساختن نمد / در این بخش کلیات ساخت نمد را از مقدمات آماده سازی پشم تا تهیه نمد توضیح داده است. ابتدا روش چسبیدن الیاف پشم و ایجاد استحکام در آن ها را شرح داده و در ادامه روش کار نمدمالان حرفه ای را به یازده مرحله تقسیم نموده و هر کدام را با توضیحات مختصر و مفید بیان کرده است. در پایان نیز به ذکر نقش صابون در نمدمالی و طرز تهیه ی نمدهای نقش دار یک رو و دوروی خانگی و نمد ریشه دار پرداخته است.

بخش نهم: نگاهی به وضع طبیعی و ساکنین منطقه گرگان و دشت / در این بخش کلیاتی در باب تنوع اقلیمی گرگان و دشت، پراکندگی جمعیتی، زبان و گویش ساکنین آن و شغل آن ها آورده و نیز تصویری از پراکندگی مراکز تولید صنایع و هنرهای دستی به دست داده است. نویسنده از زیاده گوئی و تکرار مکررات در این بخش خودداری کرده و به ذکر مطالب در یک صفحه اکتفا نموده است.

بخش دهم: مراکز اصلی تولید نمد در منطقه گرگان و دشت / با توجه به منسوخ شدن هنر نمدمالی در روزگار ما این بخش که نتیجه ی داده های کمی و آماری حدود سه دهه گذشته است از اهمیت ویژه ای

برخوردار است. نویسنده در این بخش بر اساس مطالعات میدانی و پیمایش نقاط مختلف گرگان و دشت، مراکز عمده تولید نماد را شناسایی و معرفی کرده است. وی در ابتدا نمدهای تولید شده در منطقه ی گرگان و دشت را به سه دسته تقسیم می کند: ۱- نمدهای اصیل ترکمنی ۲- نمدهای محلی مردم بومی منطقه ۳- نمدهای ترکمنی یا محلی غیر اصیل متأثر از یکدیگر و در ادامه یادآور می شود؛ از آن جا که تولید نماد در تمامی نقاط ترکمن نشین در سطح منطقه مرسوم است، نمی توان نقاط خاصی را به عنوان مرکز تولید نماد ترکمنی معرفی نمود، اما از آن جا که پهلوی دژ (آق قلاهی کنونی) و گنبد قابوس دو مرکز مهم عرضه ی محصولات ترکمن هستند، می توان آن ها را مراکز اصلی فروش نماد ترکمن دانست و سپس غیر از این دو مرکز، نقاط دیگری را در سطح منطقه به عنوان مراکز مهم تر تولید نماد ترکمن معرفی کرده است. در پایان نیز به معرفی مراکز تولید نمدهای محلی (غیر ترکمن) و همچنین مراکز تولید نمدهای غیر اصیل و متأثر از یکدیگر پرداخته است.

بخش یازدهم: منابع الهام نقش های اصیل ترکمن در نماد/با وجود این که ترکمن ها در خلق نقوش در آثار هنری و صنایع دستی، کاملاً تحت تأثیر محیط زندگی خود هستند، اما به ندرت پیش می آید تصویری را عیناً از محیط پیرامون به داخل آثار خود منتقل کنند. به عبارتی می توان گفت ترکمن ها با تعمق در جزئیات نقوش و فرم های موجود در محیط زندگی خود، بخشی را برگزیده و برجسته کرده اند و یا به اصطلاح تبدیل به یک نماد سمبلیک نموده اند.

در مجموع نقوش اصیل رایج در هنر ترکمن، دارای دو نوع تکرار هستند؛ یکی تکرار در وحدت و دیگری تکرار در کثرت. تکرار در وحدت به این معنی است که در یک اثر مخلوق ترکمن، یک یا چند نقش را در گردونه ای از تکرار می بینید. تکراری از جنس تکرار در ادوار موسیقی مقامی ترکمن. تکرار در کثرت هم به معنی تکرار نمادها و نقوشی مشخص، در مجموع آثاری که توسط قوم ترکمن خلق شده اند. حال آن که این نقوش و نمادهای هر چند تکراری، بسته به نوع هنر و صنایع، قابلیت سبک شناسی دارند. به عنوان مثال نماد شاخ قوچی که در نماد ترکمن به کار می رود، با نماد شاخ قوچ در طرح قالی، پارچه، سنگ مزار، تزئینات معماری و... در جزئیات تفاوت دارد و نوع ترکیب و رنگ بندی آن ها هم در هر شاخه از آثار، متفاوت است.

بنابراین این بخش که به بررسی نقش مایه های نماد ترکمن پرداخته می تواند در رمزگشایی نقوش به کار رفته در سایر آثار و صنایع قوم ترکمن راه گشا باشد. نویسنده در این بخش، ابتدا مقدمه ای در باب تأثیرپذیری قوم ترکمن از محیط پیرامون خود و اهمیت و ارزشی که برای موجودات و اشبای محیط زندگی خود قابل هستند آورده، سپس به معرفی نُه نقش و نقش مایه ی اصلی در نمدهای ترکمن، با ذکر نام های ترکمنی برخی از این نقوش و مفهوم آن ها پرداخته و برای درک و دریافت بهتر خواننده، تصاویر نقش های موجود در نمدها را با تصویر منبع الهام بخش آن تطبیق داده و طرح آن را نیز ترسیم نموده است.

نقش های معرفی شده در این بخش عبارتند از: ۱- شاخ قوچی ۲- پستانک یا از میک ۳- دودکش یا تونیک ۴- آلاچیق ۵- گردونه یا چرخ ارابه ۶- دم عقرب زرد (ساری ایچان) ۷- گل یقه (گل یاقا)

۸- ماهی (تیرانه) ۹- از لاجا

بخش دوازدهم: بررسی نمدهای منطقه گرگان و دشت از نظر ترکیب بندی و نقش / این بخش مفصل ترین و اصلی ترین بخش این کتاب است. نکته ی لازم به ذکر در مورد این بخش این است که مطالب مندرج در ذیل هر فصل از این بخش، به صورت پراکنده، در لابه لای تصاویر آمده است. نویسنده این بخش را به سه قسمت؛ ۱- نمدهای اصیل ترکمنی ۲- نمدهای اصیل محلی ۳- نمدهای ترکیبی ترکمنی و محلی، تقسیم کرده و در هر قسمت به معرفی انواع نمود از نظر فرم و کاربری و همچنین انواع ترکیب بندی نقوش، مورد بررسی قرار داده است. ویژگی این بخش کتاب، این است که؛ علاوه بر این که نویسنده ذیل معرفی هر یک از ترکیبات نقوش، طرح سیاه قلم آن ها را آورده، تعداد زیادی از تصاویر رنگی را ضمیمه ی آن ها کرده است.

قسمت اول این بخش که مربوط به نمدهای اصیل ترکمن است، به معرفی ۵ نوع از ترکیبات نقوش نمود ترکمن پرداخته که عبارتند از: ۱- نمدهای ترکیب یافته از خط های موازی و متقاطع عمودی و افقی با ترکیبات نقش شاخ قوچی ۲- نمدهای ترکیب یافته از خط های متقاطع مورب با انواع نقش شاخ قوچی ۳- نمدهای ترکیب یافته از خط های متقاطع عمودی و افقی با نقش های درهم شاخ قوچی و پستانک روی زمینه سفید. ۴- نمدهای ترکیب یافته از خط های مورب با نقش تونیک ۵- نمدهای ترکیب یافته از خط های عمودی و افقی با نقش چرخ ارا به . و در ادامه به معرفی سایر انواع نمدهای اصیل ترکمن از نظر نقش و کاربری پرداخته است که عبارتند از: ۶- نمدهای ویژه کرسی ۷- نمدهای ویژه عبادت ۸- نمدهای ساده با نقش های ترکیبی ۹- نقش های پشت نمود ۱۰- نمدهای ویژه پوشش اسب

قسمت دوم این بخش نیز مربوط به نمدهای اصیل محلی است که نویسنده در ابتدای سخن بدون هیچ مقدمه ای به معرفی منطقه ی رامیان و نمود آن پرداخته و نمود منطقه ی رامیان را از نظر نوع، نقش و رنگ، اصیل تر از سایر نمدهای محلی گرگان و دشت می داند. در ادامه ی مطلب به معرفی سایر نمونه های نمود اصیل محلی پرداخته و آن ها را نامرغوب تر از نمود رامیان دانسته است. نویسنده سپس نمدهای آبادی- های علی آباد کتول، زیارت و حسین آباد کالپوش را به شش رسته تقسیم کرده و به معرفی هر رسته با درج طرح ها و نمونه هایی از تصاویر، پرداخته است.

قسمت سوم این بخش، به معرفی نمدهای ترکیبی ترکمنی و محلی پرداخته است. نویسنده در این قسمت می گوید: «باید قبول داشت که نمدمالان ترکمن نسبت به نمدمالان محلی گرگان و دشت کم تر تحت تأثیر سلیقه ی همسایگان خود قرار گرفته اند». سپس در ادامه ی همین بحث، تنها دو آبادی ترکمن نشین «چقریش قارداش» و «آق قمیش» را تا حدودی در مورد نقش ها و ترکیب بندی خط های سازنده ی نمدهای خود، تحت تأثیر همسایگان شان می داند. نویسنده اعتقاد دارد در این دو آبادی نیز حفظ ویژگی های نمدهای ترکمنی به حدی مورد توجه واقع شده است که می توان نمدهای این دو آبادی را گونه ی تازه ای از نمدهای ترکمنی دانست. بنابراین نمدهای این دو آبادی را به شش رسته تقسیم کرده، به ذکر ویژگی های هر یک به انضمام طرح ها و تصاویر پرداخته و در پایان اشاره ای به نمدهای محلی تحت تأثیر نمدهای ترکمنی دارد.